

نامه سرگشاده چهره‌های جهانی به جشنواره ونیز

گروهی از چهره‌های سرشناس سینما، ادبیات و موسیقی از جمله راجر واترز، آنی ارنو، ایزابل کوپشت و ماتئو گارونه با امضای نامه‌ای سرگشاده از جشنواره فیلم ونیز خواستند «اقدامی عینی در حمایت از فلسطین» انجام دهد.

این نامه از سوی گروه «اونیز برای فلسطین» منتشر شده و در آن از برگزار کنندگان خواسته شده است پرچم فلسطین در سراسر جشنواره به اهتزاز آید و حضور دو فیلم فلسطینی در بخش رسمی جشنواره مورد تأکید قرار گیرد. «شهروند اسامه» ساخته احمد حسونه و «گفت و گو با دریا» ساخته مؤید علیان، دو فیلم فلسطینی حاضر در انتخاب رسمی این دوره ونیز هستند. مضامینندگان نامه با اشاره به تجربه سال گذشته، خواستار نقش فعالتر جشنواره در حمایت از فلسطینیان شدند؛ در دوره پیشین فیلم «صدای هند، جیب» با دریافت ۲۲ دقیقه تشویق استاندارد کسب شیر نقره‌ای، به یکی از دریافتهای خبرساز جشنواره تبدیل شد.

هشتادوسومین جشنواره فیلم ونیز از ۲ تا ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶ در ایتالیا برگزار می شود و مگی جیلنهال ریاست هیئت داوران آن را برعهده دارد.

جنگل‌های گرجوب کاغذسازی نیستند!

حمید ظهاری، معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست در گفت و گو با این اعلام کرده که بر اساس قانون برنامه هفتم توسعه، هر گونه بهره برداری چوبی از جنگل ها و بو درداشت درختان جنگلی ممنوع است و این ممنوعیت در طول اجرای برنامه لازم الاجراست. صنایع چوب و کاغذ باید برای تأمین مواد اولیه، به سمت واردات، بازیافت و اقتصاد چرخشی حرکت کنند و وابستگی خود به چوب جنگل ها را کاهش دهند.

انتقاد از شیوه های پیشین جنگل داری و آثار آن بر جنگل ها و تنوع زیستی، موضوع تازه ای نیست و سال هاست از سوی کارشناسان و متخصصان مطرح می شود. سازمان منابع طبیعی اکنون یک برنامه ای با عنوان «طرح های نوین جنگل داری» تهیه کرده که بهر از سازمان حفاظت محیط زیست و معاف علمی و دانشگاهی در حال بررسی است. هدف این برنامه ها، رسیدن به رویکردی تازه برای مدیریت، حفاظت و بهره برداری پایدار از جنگل ها عنوان شده است.



محمد بهبودی نیا
culture@khorasannews.com

روز گذشته حسام‌الدین سراج، خواننده شناخته‌شده موسیقی ایرانی، در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌ها درباره کم‌توجهی به موسیقی ایرانی گلایه‌هایی مطرح کرد؛ حرف‌هایی که اگر کمی جدی‌تر به آن‌ها فکر کنیم، پشیمان‌ناشانهایی از نقوذیک جانش بزرگ به فضای موسیقی امروز ماست. در کشور ما حدود دوهی می‌شود که موسیقی‌پاپ مسیر خودش را پیدا کرده؛ سال‌ها پاپ می‌شوند، بلیت برخی کنسرت‌ها از چند میلیون تومان عبور می‌کند... در ادامه این مسیر رو به جلو طبیعی است سرمایه هم به سمت بازاری‌رود که بازگشت مالی روشن‌تری دارد؛ یعنی موسیقی‌پاپ. اما در این میان چه بر سر موسیقی دستگاهی، آواز ایرانی و نسلی آمده‌ومی‌آید که سال‌ها برای یادگیری ریتم، دستگاه‌ساز ایرانی وقت گذاشته است؟ وقتی یک خواننده جوان می‌بیند مسیر پاپ هم کوتاه‌تر است و هم درآمزش بیشتر، نتخابش چندان عجیب نیست. موضوع مورد بحث که به آن پرداختیم روایت همین غم‌ه است. البته باید به این نکته اشاره کنیم که هدف از نوشتن این متن مقابله با پاپ نیست؛ مسئله این است که چرا موسیقی ایرانی در این سال‌ها پاپ برای ادامه حیات، همیشه در انتهای صف حمایت و توجه بایستد؟

وقتی بازار برای موسیقی تصمیم می‌گیرد

ترتیبی نیست که در یک دهه اخیر، موسیقی پاپ در فروش بلیت تا حدودی موفق تر از موسیقی ایرانی عمل کرده است؛ اما موسیقی دستگاهی از آن نیست با قوا و ادعای مسابقه بدهد. این موسیقی از قرن هفدهم پاپ را به فرنگ متعین و کشور ما شکل گرفته و بروز کار ما رسیده است بنابراین اهمیت آن چندی است؛ پس همه را دوست داشته و زنده نگه داشتن بسیاری از فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها و کمک به پاسداشت زبان فارسی و هم به دلیل حفظ گوشه های موسیقی ایرانی که هر یک را می توان میراثی گران بها قلمداد کرد نگاه حمایتی متفاوتی باید در نظر گرفته شود. با این حال، امروز شاهد این واقعیت هستیم که باز از فروش بلیت، همه این موارد را نادیده می گیرند و در نهایت برای موسیقی کشور تصمیم می گیرند و البته مسئولان فرهنگی برای چندان نگاه حمایتی به موسیقی ایرانی نداشته اند.

همین موضوع باعث شده این روزها خبری که نوازندگان و گروه‌های موسیقی ایرانی به دلیل سنگینی مبالغ مربوط به اجرا سال‌ها، نبود اسپانسر و... با مشکلاتی روبه‌رو شوند؛ مشکلاتی که روز افزون‌تر شده و شادو بسیاری از نهادهای مسئول را پدید آورده. آن‌ها در دیدمان شده‌اند و ما گاری این هنر کمک کنند تا بخشی از هزینه‌های اجرا دوش هنرمندان این حوزه برداشته شود. واقعیت این است که نوازندگانِ گذشته داشتن یک میراث کهن، باید بودجه‌های قابل توجهی صرف کرد؛



سراج: مخاطب
جوان، موسیقی
قوی و زیبارا
دوست دارد و اگر
یک اثر قدرتمند
در موسیقی
ایرانی ارائه شود
قطعا می تواند
مورد استقبال
جوانان قرار گیرد

مقامی یا دستگاہی می‌تواند با چند قطعه پاپ بیشتر دیده شود، بیشتر کنسرت بگذار و در درآمد بالتری داشته باشد.

بخشی از آنچه ما تغییر یافته می‌نامیم، در واقع نتیجه تغییر زمین بازی به دلیل کم توجهی بسیاری از مسئولان به موسیقی اصیل ایرانی است. نمی‌شود از جوان‌ها انتظار داشت سال‌ها هزینه آموزش بدهند و در زمان ورود به بازار به آن‌ها بگوییم صبر کنند تا مخاطب موسیقی ایرانی پیدا شود.

را نظر خوانندگان موسیقی اصیل ایرانی چیست؟

مادر سال های گذشته خوانندگانی مانند علیرضا افتخاری
همایون شجریان، شهرام ناظری، حسام الدین سراجو،... داشته
ایم که امروز برخی از آن ها به موسیقی تلفیقی روی آورد و برخی
دیگر مانند حسام الدین سراجو و شهرام ناظری در این حوزه فعالیت
کمتری را در دستور کار قرار داده اند به عنوان مثال روز گذشته
حسام الدین سراجو در اظهار نظری صریح، نسبت به توجه بیش تر به
موسیقی پاپ و سازوی توجیه به موسیقی سنتی انتقاد کرده بود. این حرف
امروز معنای تازه ای پیدا کرده است.

سراج گفته است: وضعیت موسیقی کشور نیازمند توجه بیشتر مدیران فرهنگی است. نگاه به موسیقی ایرانی و هویت فرهنگی آن باید تقویت شود. ما نباید فراموش کنیم که موسیقی ایرانی بخشی از هویت فرهنگی ماست و برای احیا و گسترش آن باید برنامه‌ریزی و حمایت بیشتری صورت گیرد. البته نمی‌توان همه مدیران فرهنگی را در یک



چهار چوب قرار داد اماد بر خی موارد، موسیقی بیش از آنکه از منظر فرهنگی دیده شود، از زاویه اقتصادی و میزان بازدهی مالی مورد توجه قرار می گیرد. این که صرفاً بررسی شود کدام کنسرت بازدهی مالی بیشتری دارد بر اساس آن تصمیم گیری شود، و یک در کرد سستی نیست. سراج در باره شرایط فعالیت موسیقی در شرایط امروز و تغییر ذائقه مخاطبان جوان به ویژه نسل های جدید بیان کرده است: نباید میان جوانان و موسیقی ایرانی فاصله ای قطعی تصور کرد. این دیدگاه را که جوانان امروز موسیقی متفاوتی می خواهند بنابرین موسیقی ایرانی دیگر نمی توانند با آن ها ارتباط برقرار کنند، قبول ندارم. مخاطب جوان، موسیقی قوی و زیبا دوست دارد و اگر بگویم اثر قریتمند در موسیقی ایرانی را الهه شود، قطعاً می تواند مورد استقبال جوانان قرار گیرد.

موسیقی دستگاہی را نباید به موزه فرستاد

موسیقی ایرانی زمانی زنده می ماند که فقط درباره گذشته اش حرف نزنیم و اجازه بدهیم نسل تازه آن را زندگی کند، تجربه کند و حتی تغییرش دهد.

اتفاقاً نمونه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مخاطب جوان الزاماً از موسیقی ایرانی گریزان نیست. علیرضا قربانی در سال‌های اخیر از استقبال جوانان ترکیه از موسیقی ایرانی گفته‌و این تجربه نشان می‌دهد وقتی موسیقی ایرانی با اجرای درست و زبان ارتباطی مناسب عرضه شود، هنوز می‌تواند مخاطب پیدا کند.

پس شاید وقت آن رسیده به جای این که مدام بگوییم «جوان‌ها موسیقی سنتی گوش نمی‌دهند»، بپرسیم چه اندازه موسیقی ایرانی خوب، تازه و در دسترس برایشان تولید کرده‌ایم؟ چقدر از این موسیقی حمایت کرده‌ایم؟

[illegible][illegible][illegible][illegible]